

گفت‌و‌گو با بهرام اسکویی‌زاده آهنگساز و پژوهشگر

همنشینی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌ها

● مهتاب خسر وشاهی

– **بعضی معتقدند موسیقی تلفیقی پیش از آنکه تلفیق دو نوع موسیقی باشد تلفیق دو فرهنگ است. با پذیرش این دیدگاه ما با دو جهان متفاوت فرهنگی روبه‌رو هستیم که ممکن است ایده‌های موسیقایی در سایه آن قرار گیرند. نظراتان درباره این دیدگاه چیست؟**

بنه‌وون معتقد بود: «برای به وجود آمدن یک اثر زیبار، هیچ قانونی وجود ندارد که نتوان آن را زیر پا گذاشت.» پس در اصل یعنی قانونی وجود ندارد بنابراین مهم این است که خروجی کار، مورد پسند و لذت مخاطب بوده و زیبا باشد درثانی درباره تلفیق، یکی از تحقیقات من در زمینه «آهنگسازهای چندفرهنگی» بوده است؛ اینکه این افراد چه می‌کنند؟ آنها بعد از تسلط به موسیقی کشورشان با موسیقی دیگر مثلاً موسیقی غربی آشنا می‌شوند. حالا این‌ها نوازنده «سنتور» را اصل قرار می‌دهد و آلات موسیقی دیگر از آن پیروی می‌کنند یا وارد یک مجموعه بزرگ‌تر یعنی «ارکستر» می‌شود که سنتور هم بخشی از این مجموعه بزرگ است. من خود در شرایط دوم قرار داشتم چون دوست داشتم کنسرتو بنویسم. اما با اینکه ایده‌ها در سایه قرار می‌گیرند، موافق نیستم. من یک قالب موسیقی غربی را گرفتم به نام کنسرتو و سنتور را داخل این مجموعه قرار دادم، که البته مخالفان خودش را داشت و دارد که البته به نظر من این افراد روح پویای موسیقی را نمی‌شناسند. به این قضیه از نمای دیگری هم می‌توان نگاه کرد؛ قرار گرفتن فرهنگ‌ها در کنار هم و هموایی آنها توسط ساز نوازندگان. مثلاً من نوازنده «سنتور» در کنار نوازنده «سارنگ» از هند قرار می‌گیرم. ما سعی می‌کنیم همدیگر را بفهمیم. حالا ببینیم چطور فرهنگ من ایرانی سنتورنواز با فرهنگ نوازنده سارنگی هند تلفیق شده تا همدیگر را بفهمیم. بعضی معتقدند زبان موسیقی، زبان جهانی است، یکی از استانان ما در همتا: جلسه اول کلاس این جمله را نوشت و زیرش نوشت: «فلسط است» موسیقی در همه جای دنیا کاملاً بستگی به «فهاجیم یک قوم» دارد. این فهاجیم برای قوم دیگر قابل «ترجمه» نیست، به هیچ عنوان، یک جا شما وقتی با کش وارد منزل شوید، رفتار نادرستی است، جای دیگر اگر کش تان را در پیروید رفتار اشتباهی انجام داداید، این یعنی تفاوت فرهنگ.

– **شاید مفهوم این جمله که: «زبان موسیقی زبانی جهانی است» این باشد که ملت‌های مختلف سعی می‌کنند با موسیقی بیشتر به هم نزدیک شوند.**

بله، همان مسالاهای که به آن اشاره کردم یعنی نوازنده ایرانی، کنار نوازنده هندی می‌نشیند تا با سازهایشان به هم نزدیک‌تر شوند. دیدید دو نفر وقتی با هم صحبت می‌کنند، یکی ضرب‌المثل یا اصطلاحی را می‌گوید، طرف دیگر هم می‌گوید: «ا، در فرهنگ و زبان ما هم این اصطلاح به این شکل وجود دارد.» حالا ارتباط بین این دو فرهنگ برقرار می‌شود و بعد این دو نفر شروع می‌کنند به یافتن نقاط مشترک. در واقع ما موسیقی و نواختن سازهای اقوام مختلف در کنار هم سعی می‌کنیم مفاهیم فرهنگی خودمان را به شنونده قوم دیگر منتقل کنیم تا به هم نزدیک‌تر شویم. مثل غذایی که مثلاً مرغش را به روش هندی پخته‌ایم، برنجش ایرانی است، ترشی ترکی یا عربی را هم به عنوان چاشنی کنارش می‌گذاریم. این مجموعه غذای خوشمزه‌ای است که هر کس با وجود اینکه از قوم خودش تخفای آورده، اما اینجا کنار هم قرار گرفته‌اند و خوراک خوشمزه‌ای را تحویل مخاطب داده‌اند.

– **آیدگاه دیگر در حوزه موسیقی تلفیقی این است که تلفیق دو نوع موسیقی از دو جهان متفاوت از نظر جغرافیایی ممکن نیست یعنی تلفیق در صورتی امکان‌پذیر است که مثلاً دو نوع موسیقی از شرق یا از یک قاره با هم تلفیق شوند. در مقابل برخی هم می‌گویند در بر تضادترین حالت هم می‌شود موسیقی تلفیقی ارائه کرد یعنی تلفیق دو موسیقی از دو جهان کاملاً متفاوت. به کدام یک از این دو نظریه اعتقاد دارید؟**

این تلفیق جغرافیایی را چطور تعبیر می‌کنید؟ یعنی اینکه موسیقی دو کشور از دو جغرافیای مختلف را با هم ترکیب کرده و از دل آن به موسیقی جدیدی برسیم؟

– بله.

من موسیقی را اقلیم یا جغرافیابندی نمی‌کنم، هر چند می‌گویم اقلیم هم روی موسیقی ملتا تأثیر می‌گذارد. می‌گویم من خوراک از این منطقه و خوراک دیگر از منطقه‌ای دیگر با طعمی دیگر دارم، آنها را تلفیق می‌کنم. اگر خوب بود که خوب، اگر نه، این دو را کنار هم می‌گذارم و دوباره از آن مجموعه‌ای می‌چشم تا ببینم این بار چه وضعیتی ایجاد می‌شود. مسلماً دو نوع موسیقی از دو منطقه، نقاطی دارند که با مکمل یکدیگر یا قابل انطباق بر یکدیگر هستند. نمی‌توان حکم کلی صادر کرد که دو موسیقی از دو جهان متفاوت مثل آب و روغن به هیچ وجه با هم تلفیق نمی‌شوند. حتی آب و روغن با حرارت می‌توانند تا حدی با هم ترکیب شوند. اگر قرار باشد تلفیقی صورت بگیرد، باید راه صحیح‌تر را پیدا کرد تا تلفیق درست بود و لذت‌بخش باشد. اشتباهه فحوی که می‌دهد که ما ادعا کنیم روغن را در آب حل کرده‌ایم، اما واقعاً این کار را نکرده باشیم؛ آب را در آب حل کرده و به اسم «محلول آب و روغن» به خورد مخاطب بدهیم. این درست نیست.

– **یعنی متعبد اگر هدف حل کردن آب و روغن باشد، اشکالی ندارد اما به درستی و واقعاً**

بهرام اسکویی

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۱ ■ دوشنبه ۱۰ آبان ۱۳۸۹

بهرام اسکویی‌زاده متولد سال ۴۹ در تهران است. او پس از فارغ‌التحصیلی در رشته موسیقی از دانشگاه تهران و حضور در محضر استادانی چون زنده‌یاد پرویز مشکاتیان، ی‌شنگ کامکار، فرامرز پایور و… و تاسیس آموزشگاه و گروه موسیقی «داروک» به قصد فراگیری بیشتر راهی ایالات متحده می‌شود. او در سال ۲۰۰۱ میلادی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته آهنگسازی و تکنولوژی از دانشگاه «کالیفرنیا ارواین» فارغ‌التحصیل شده و با تغییر دانشگاه محل تحصیل خود در سال ۲۰۰۸ میلادی در رشته آهنگسازی موفق به کسب درجه دکترا از دانشگاه

انجام شود؟
دقیقاً اگر قرار است موسیقی تلفیقی ارائه شود، این تلفیق باید واقعی باشد تا درست باشد. خیلی وقت‌ها از فکر تلفیقی مثلاً «سنتور و سی‌تار» متعجب می‌شویم؛ تلفیق دوساز زنگ‌دار… محال است. اما اگر این دو هم خوب تلفیق شوند، به هم منطبق می‌شوند.
– **یا دور از ذهن بودن تلفیق تنبک و پیانو؛ دو ساز کاملاً شرقی و کاملاً غربی.**

دقیقاً. در حالی که حالا می‌شود و خیلی هم زیباست. یک آهنگساز به قضیه تلفیق موسیقی از دو جهان مختلف خیلی عملی فکر می‌کند؛ نه تئوری و بر اساس سنت موسیقایی.

– **آیا تلقی از موسیقی تلفیقی این است که به نوعی تناسب برسیم؟ منظور این است که برخی گروه‌های تلفیقی در غرب در موسیقی تلفیقی خود کنار گروه بزرگ غربی، مثلاً از یک یا دو ساز شرقی هم استفاده می‌کنند. در این نوع موسیقی، از موسیقی دیگری طوری استفاده می‌کنند که به نفع موسیقی خودشان کنار می‌روند. اگر قرار است به تناسب برسیم، آیا کنار رفتن یک موسیقی تلفیقی به نفع دیگری معنا پیدا می‌کند؟**

درباره بحث اول سوال تان، اگر در تلفیق تناسب نباشد، موسیقی به مجموعه پهرچ و مرچی تبدیل می‌شود که قابل شنیدن نیست. تناسب آرام‌بخش است. اما اینکه در ادامه سوال کردید از سازی یا موسیقی‌ای طوری استفاده می‌کنند که به نفع خودشان باشد، موافق نیستم. در دانشگاه استنفورد، همایشی به نام «music & Brain» برگزار شد. برگزارکننده این کنسرت یک آهنگساز بود. کنسرتویی برای ویولن نوشته بود که از سنتور هم استفاده کرده بود. سنتوری که به من نشان داد یک مندرم قدیمی در ابعاد بزرگ بود. او از این سنتور به عنوان یک ساز خاص، یک نکته جدید در کارش استفاده کرده بود. این عملاً نشان می‌دهد که آنها نه‌ه معتقدند و نه می‌خواهند یک موسیقی به نفع دیگری کنار رفته یا آن حل شود. به نظر آنها تحولات و تازه‌ها تنها تهدیدکننده نیست، بلکه بعد جدیدی را به ابعاد آهنگسازی و هنرشان می‌افزاید. آهنگساز پیپرو، هم در موسیقی هنری و هم در موسیقی فیلم وجود دارد. موسیقی قرار نیست به نفع دیگری کنار برود، اصلاً نمی‌شود. تصور کنید در یک فیلم غربی که صحنه‌ای از آن در فضای شرقی است از موسیقی شرقی استفاده نشود، چنین چیزی امکان ندارد.

– **نظری به دیگر اینکه بعضی معتقدند در موسیقی تلفیق باید به حل شدن دو فرهنگ برسیم. تا از این طریق به فرهنگ موسیقایی سومی برسیم. چقدر با این نظر موافق هستید؟**

به «حل شدن» معتقد نیستم. دو فرهنگ می‌توانند در کنار هم به مسالمت‌آمیزترین شکل ممکن حضور داشته باشند و به زیبایی هر یک خودشان را بیان کرده و مخاطبان مشترک هم داشته باشند. دو فرهنگ می‌توانند به یکدیگر «فاخته شوند». حل، نه حل شدن «ماهیت» را تغییر می‌دهد. اما اگر به هم یافته شوند، زیباتر است. هر کدام هستند، استقلال‌شان را دارند. انسجام دارند، اما هیچ یک از بین نرفته‌اند. موسیقی امری است که به فرهنگ، اقلیم و مردم هر منطقه‌ای تعلق دارد. اگر موسیقی دو فرهنگ را در هم حل کنیم، محلول آنها برای چه کسی، چه فرهنگی و چه قومی ساخته شده است؟ مردم دنیا هر کدام در جایی، با فرهنگ و جغرافیایی زندگی می‌کنند. این «محلول موسیقی» متعلق به کیجاست؟ چه کسی با آن ارتباط برقرار می‌کند؟ بلاکتلیف و پا در هواس.

– **در ایران چه برنامه‌ای دارید؟**

ساخت موسیقی دو فیلم به من پیشنهاد شده است که چون هنوز هیچ چیز قطعی نیست اسمی از فیلم و کارگران نمی‌آورم تا ببینم کار چطور پیش می‌رود.
– **در زمینه کار با ترانه‌سرایان چطور؟**

در نظر دارم با دکتر افشین یداللهی (ترانه‌سرا) روی کارهای ارکستر متمرکز شوم و به فضایی ترانه‌های امروزی کار کنیم؛ در اولین گام به صورت آلبوم، البته دکتر یداللهی استفاده از ترانه افراد دیگری را هم پیشنهاد داده ام در حال تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های اولیه هستیم.

– **زمانی که شما موسیقی را به عنوان رشته تحصیلی تان انتخاب کردید، خیلی از خانواده‌ها از هراس ناشی از عدم موفقیت فرزندان در رشته پزشکی یا مهندسی تب می‌کردند. خانواده شما جزء این گروه نبودند یا شما عرف را شکستید؟**

باشنید این تصمیم تقریباً من را طرد کردند. اما در حقیقت زمینه‌ساز گرایش من به موسیقی خود آنها بودند. یکی از سرگرمی‌های من رفتن به باشگاه‌های ورزشی بود. ولی والدینم موافق این سرگرمی نبودند. برای اینکه این عادت را از سر من ببندازند، ساز «سنتور» را جایی‌گزین آن کردند. اما چون پدر من معلم بود دوست داشتم فرزندش هم مثل خیلی از بچه‌ها دکتر یا مهندس شود. اصرار پدرم برای تحصیل من در رشته پزشکی یا مهندسی، دلیل دیگری هم داشت و آن زندگی سختی بود که پدرم آن را تجربه کرده بود. او در ۱۲ سالگی همه خانواده‌اش را از دست داد و پیش عمویش بزرگ شد. زندگی‌اش را ساخت و توانست تا مقطع لیسانس درس بخواند. ۱۰ سال پیش پدرم در ۸۲ سالگی فوت کرد. حسوب کنید چه زمانی او لیسانس گرفته بود. وقتی افراد با داشتن مدرک دیپلم پروفیسر محسوب می‌شدند، می‌خواست با تحصیل در یک رشته خوب زندگی آرام و رفاهی داشته باشم.

– **اما خرید هم‌ان ساز باعث شد بر خلاف علاقه والدین به سمت دیگری بروید.**

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۱ ■ دوشنبه ۱۰ آبان ۱۳۸۹

بهرام اسکویی‌زاده متولد سال ۴۹ در تهران است. او پس از فارغ‌التحصیلی در رشته موسیقی از دانشگاه تهران و حضور در محضر استادانی چون زنده‌یاد پرویز مشکاتیان، ی‌شنگ کامکار، فرامرز پایور و… و تاسیس آموزشگاه و گروه موسیقی «داروک» به قصد فراگیری بیشتر راهی ایالات متحده می‌شود. او در سال ۲۰۰۱ میلادی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته آهنگسازی و تکنولوژی از دانشگاه «کالیفرنیا ارواین» فارغ‌التحصیل شده و با تغییر دانشگاه محل تحصیل خود در سال ۲۰۰۸ میلادی در رشته آهنگسازی موفق به کسب درجه دکترا از دانشگاه



نه این باعث نشد آنها از حرفشان برگردند. برای همین من کنکور ریاضی دادم اما خودم از سر جلسه بیرون آمدم تا اعلام کنم علاقه‌ای به ادامه تحصیل در رشته مهندسی ندارم. اما همان سال در کنکور هنر شرکت کردم. سال ۶۹ نتایج اعلام نشد. سال بعد دوباره کنکور دادم که آن سال به طور همزمان نتایج هر دو را اعلام کردند. سه نفر بودند که در هر دو کنکور قبول شدند و من یکی از آنها بودم. قبولی‌های سال قبل می‌توانستند دانشگاه تهران و قبولی‌های همان سال دانشگاه هنر را انتخاب کنند. من دانشگاه تهران را انتخاب کردم.

– **چه درس‌هایی آموزش می‌دادند؟**

دروس تاریخی، دروس ابتدایی آهنگسازی و نوازندگی سنتنی. در آن زمان بیشتر هدف آموزش و گرایش هنرجوها به سمت موسیقی ایرانی بود. تلاش می‌کردند «سولفژ» و «تئوری موسیقی ایرانی» را یاد بدهند. اما آن زمان جزوه یا کتاب مدونی در این زمینه نبود و همین مساله کار را سخت می‌کرد.
– **نوازندگی کلاسیک را قبول نداشتند؟**

نه، همین نکته عجیبی بود چون این‌ها نظر با هدف‌گذاری هنرستان در تضاد بود. در همان دوره نکات جدیدی وارد دایره معلومات موسیقایی من شد. مثل «فیزیک آکوستیک» که هنوز هم به آن علاقه‌مند هستم. شاید این به دلیل برخورد اول دکتر خسرو مولانا بود. به نظر آنها تحولات و تازه‌ها تنها تهدیدکننده نیست، بلکه بعد جدیدی را به ابعاد آهنگسازی و هنرشان می‌افزاید. آهنگساز پیپرو، هم در موسیقی هنری و هم در موسیقی فیلم وجود دارد. موسیقی قرار نیست به نفع دیگری کنار برود، اصلاً نمی‌شود. تصور کنید در یک فیلم غربی که صحنه‌ای از آن در فضای شرقی است از موسیقی شرقی استفاده نشود، چنین چیزی امکان ندارد.

– **نظری به دیگر اینکه بعضی معتقدند در موسیقی تلفیق باید به حل شدن دو فرهنگ برسیم. تا از این طریق به فرهنگ موسیقایی سومی برسیم. چقدر با این نظر موافق هستید؟**

به «حل شدن» معتقد نیستم. دو فرهنگ می‌توانند در کنار هم به مسالمت‌آمیزترین شکل ممکن حضور داشته باشند و به زیبایی هر یک خودشان را بیان کرده و مخاطبان مشترک هم داشته باشند. دو فرهنگ می‌توانند به یکدیگر «فاخته شوند». حل، نه حل شدن «ماهیت» را تغییر می‌دهد. اما اگر به هم یافته شوند، زیباتر است. هر کدام هستند، استقلال‌شان را دارند. انسجام دارند، اما هیچ یک از بین نرفته‌اند. موسیقی امری است که به فرهنگ، اقلیم و مردم هر منطقه‌ای تعلق دارد. اگر موسیقی دو فرهنگ را در هم حل کنیم، محلول آنها برای چه کسی، چه فرهنگی و چه قومی ساخته شده است؟ مردم دنیا هر کدام در جایی، با فرهنگ و جغرافیایی زندگی می‌کنند. این «محلول موسیقی» متعلق به کیجاست؟ چه کسی با آن ارتباط برقرار می‌کند؟ بلاکتلیف و پا در هواس.

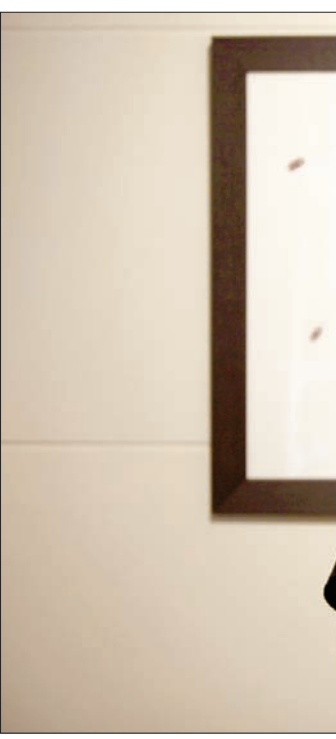
– **زمانی که شما موسیقی را به عنوان رشته تحصیلی تان انتخاب کردید، خیلی از خانواده‌ها از هراس ناشی از عدم موفقیت فرزندان در رشته پزشکی یا مهندسی تب می‌کردند. خانواده شما جزء این گروه نبودند یا شما عرف را شکستید؟**

باشنید این تصمیم تقریباً من را طرد کردند. اما در حقیقت زمینه‌ساز گرایش من به موسیقی خود آنها بودند. یکی از سرگرمی‌های من رفتن به باشگاه‌های ورزشی بود. ولی والدینم موافق این سرگرمی نبودند. برای اینکه این عادت را از سر من ببندازند، ساز «سنتور» را جایی‌گزین آن کردند. اما چون پدر من معلم بود دوست داشتم فرزندش هم مثل خیلی از بچه‌ها دکتر یا مهندس شود. اصرار پدرم برای تحصیل من در رشته پزشکی یا مهندسی، دلیل دیگری هم داشت و آن زندگی سختی بود که پدرم آن را تجربه کرده بود. او در ۱۲ سالگی همه خانواده‌اش را از دست داد و پیش عمویش بزرگ شد. زندگی‌اش را ساخت و توانست تا مقطع لیسانس درس بخواند. ۱۰ سال پیش پدرم در ۸۲ سالگی فوت کرد. حسوب کنید چه زمانی او لیسانس گرفته بود. وقتی افراد با داشتن مدرک دیپلم پروفیسر محسوب می‌شدند، می‌خواست با تحصیل در یک رشته خوب زندگی آرام و رفاهی داشته باشم.

– **اما خرید هم‌ان ساز باعث شد بر خلاف علاقه والدین به سمت دیگری بروید.**

موسیقی

«کالیفرنیا سانتابارا» می‌شود. دکتر اسکویی‌زاده موفق به کسب جایزه نخست «کوروین» برای کارش در ارکستر زهی می‌شود. اسکویی‌زاده مقالات متعددی در زمینه موسیقی و انقلاب، تئوری موسیقی جهان، موسیقی و ذهن و… به دانشگاه‌های اروپا، آمریکا و ایران ارائه کرده است. او هم‌اکنون در دانشگاه «کالیفرنیا سانتابارا» در حال تدریس است. نخستین اثر او در ایران آلبوم «لست» با همکاری پژمان حدادی است. او در زمینه موسیقی تلفیقی هم فعالیت‌هایی داشته‌است. در فاصله اقامت کوتاه دکتر اسکویی‌زاده در ایران گپ و گفتی با او داشتیم که می‌خوانید.



کردم به تغییر نیاز دارم. من نمی‌خواستم توی دخمه خودم بمانم. می‌خواستم با مردم در ارتباط باشم؛ با رهبر ارکستر، با نوازنده. آهنگ بسازم، با گروه بزنم، با هم مخالفت کنیم، همراه بشویم و محصول کار ما را مخاطب بشنود و دوست داشته باشد. به همین دلیل بعد از مرحله فوق‌لیسانس تصمیم گرفتم برای دکترا «آهنگسازی آکوستیک» را انتخاب کنم و وارد دانشگاه «کالیفرنیا سانتابارا» شوم.

– **این نکته را فراموش کردم ببرسم: زمانی که وارد دانشگاه شدید نگاه هم‌کلاسی‌های شما به موسیقی کشورمان چطور بود؟**

همان‌طور که گفتم من وارد دانشگاهی شدم- در مقطع ارشد- که موسیقی بین‌المللی در آن پررنگ نبود. اما از من درباره سازهای مختلف سوال می‌کردند. می‌گفتم سنتور می‌زنم. کنجکاوی‌هایشان مثبت بود. اما دو گروه کنجکاو قضیه بودند؛ افرادی که به شکل سنتی موسیقی کار می‌کردند مثل خواننده‌ها، نوازنده‌ها و آهنگسازهای آکوستیک. کنجکاوی این گروه سطحی بود. اما آهنگسازها یعنی آنهایی که کار موسیقی تلفیق‌شده انجام می‌دادند، به شدت کنجکاو و علاقه‌مند بودند. آنها می‌خواستند ببانند ما در کشورمان چه می‌کنیم.

– **شما سفیری از موسیقی شرق برای آنها بودید. می‌توانید انجام بدهند. به همین دلیل یکی از همین آهنگسازها زمانی که سال آخر دانشگاه بودم به من پیشنهاد داد یک قطعه برای «ارکسترسمفونیک و سنتور» بنویسم. در سال ۲۰۰۱ سه ماه و نیم روی آن کار کردم و یک کنسرتو برای سنتور و ارکستر نوشتم و با همان ارکسترسمفونیک دانشگاه در همان سال اجرا شد.**

– **گویا بعد از این اجرا گروه کری هم در دانشگاه آهنگساز سانتابارا- تشکیل داده‌د؟**

این‌طوری صحبت‌تان را تصحیح کنم که بنیانگذار گروه کری من نبودم. ماجرا از این قرار بود که یکی از قطعات قدیمی ایرانی یعنی «شد خزان» رهی معیری را برای اجرای کر تنظیم کردم. با رهبر گروه کر صحبت کردم، گفتم چنین قطعه‌ای تنظیم کردم. استقبال کرد. گفتم من اولگارد ریستیم که قطعه را طور خاصی تنظیم کرده باشم. تقریباً قوانین موسیقی باخ را با موسیقی ایرانی ترکیب کرده و پیانوی کمی هم در پس‌زمینه کار کرده‌ام و مقدمه آن هم سنتور است. قرار است تمرین را شروع کنیم- بعد از بازگشت من- و گروه کر آواز «شد خزان گلشن آشنایی» را می‌خوانند. گروه کر هم خارج می‌هستند و یک ایرانی هم بین آنها نیست. در واقع برخلاف دانشگاه مقطع فوق‌لیسانس در مقطع دکترا دانشگاهی را انتخاب کردم که در زمینه موسیقی شرقی بسیار قوی است، دانشگاه سانتابارا را بارتمان شناختن موسیقی اقوام» قوی‌ای دارد. این نوع موسیقی‌شناسی یعنی شناخت موسیقی اقوام در مقابل کلنی موسیقی کشورهایی مثل انگلیس، فرانسه و… قرار گرفته است. این تئوری جدید می‌گوید موسیقی مردمی، موسیقی‌ای است که برای همه مردم دیباست. حالا موسیقی «Western Euopean People» در اقلیت قرار گرفته است چراکه معتقدند موسیقی برزیل، آفریقا، عرب، ترک، ایرانی و… هم هستند و همگی ویژگی‌ها و زیبایی‌های خودشان را دارند. درباره چه موضوعی صحبت می‌کردیم که بحث به اینجا رسید؟

– **باید جالب باشد. یک گروه خارجی الهه ناز بخوانند.**

با آنها «تلفظ در آواز» کار می‌کنم. جالب‌تر اینکه این گروه الهه‌نار را هم فارسی می‌خوانند. خواندن «ای ایران» توسط آنهاست. شنیدن اجرای یک گروه کر که همگی امریکایی هستند سرود «ای ایران» را می‌خوانند جالب بود. تصور کنید تعدادی امریکایی «ای ایران» بخوانند و بخوانند: «پاینده پای کوک ایران ما» من قبل از اجرا به حاضران در کنسرت می‌گویم اگر ایرانی بین ما هست همراه ما بخواند و می‌خوانند. ریتم موسیقی، نرمش و لطافت سازهای ما برای امریکایی‌ها جالب و جذاب است. اما به ساز همراه با آواز علاقه ندارند.ولی بعضی از آنها اتفاقاً به همین نوع علاقه دارند. چه یکی از دوستانم که استاد تاریخ هنر دانشگاه است و فقط ساز و آواز سنتی ایرانی را دوست دارد.

«فروش بلیت‌های کنسرت همایون شجریان آغاز شد ایلتا: فروش بلیت‌های کنسرت همنوازان از ۸ آبان روی سایت www.shajarianconcert.com با قیمت ۱۵، ۲۵، ۳۵ و ۴۵ هزار تومان آغاز می‌شود. کنسرت پاییز همایون شجریان و گروه «همنوازان حصار» به سرپرستی و آهنگسازی علی قصمری ۱۲ تا ۱۴ آبان‌ماه در تالار وحدت برگزار می‌شود. قطعات بخش اول این کنسرت، مقدمه دشتی به همراه آوازهای «بی‌دل و بی‌زبان» و «صنما» چهارمضارب، تصنیف «خاکدان عشق»، مقدمه نوا، ساز و آواز «نقش خیال»، تصنیف «توبه‌شکن»، ضربی نهفت به همراه آواز نهفت و تصنیف «شهر به شهر» از آلبوم «نقش خیال» هستند. قطعات بخش دوم نیز شامل مقدمه چهارگاه به همراه آواز «برون از دیده‌ها»، تصنیف «در عاشقی»، تکنوازی تار، تصنیف «آب، نان، آواز»، ساز و آواز شوشتری، تصنیف «به‌جان تو»، ساز و آواز «گناه عشق» و تصنیف «هوای گریه» از آلبوم «آب، نان، آواز» است. گروه همنوازان حصار با ترکیب علی قصمری به عنوان آهنگساز و نوازنده تار، سه‌ربا پورناظری نوازنده کامناچه، مصباح قصمری نوازنده کامناچه‌باس، نگار خارکن نوازنده کامناچه‌التو، علی‌اصغر عریضاهی تار، نوشین پاسدار نوازنده عود، حسین رضایی‌نا نوازنده دف، همایون نصیری نوازنده دمام و سازهای کوبه‌ای و آیین مشکاتیان نوازنده تنبک و کوزه در این کنسرت سرورزه همایون شجریان را همراهی می‌کنند.

■ **تالار «رودکی» میزبان کنسرت گروه کر شهر تهران**

گروه کر شهر تهران به رهبری «مهدی قاسمی» از ۱۲ آبان‌ماه به مدت سه‌شب در تالار رودکی میزبان علاقه‌مندان موسیقی خواهد بود. روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی گزارش داد این گروه به همراهی ارکستر مجلسی و به رهبری مهدی قاسمی برای نخستین بار در ایران آثاری از «دوارد الگار» و «جان راتر» را به اجرا درمی‌آورد. «شهرای مهدوی» نیز با نواختن پیانو گروه را یاری می‌دهد. گروه کر شهر تهران تاکنون ده‌ها کنسرت در تهران برگزار کرده و با شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی موسیقی فجر توانسته مخاطبان بسیاری را به خود جلب کند. کنسرت گروه کر شهر تهران به بهری «مهدی قاسمی» از ۱۲ تا ۱۴ آبان‌ماه ساعت ۲۰ در سالن رودکی برگزار می‌شود.

■ **کنسرت دونوازی تار و دف**

کنسرت موسیقی ایرانی با دونوازی تار و دف در تالار ایوان ششمس برگزار می‌شود. در این کنسرت که ۱۷ و ۱۸ آبان‌ماه ساعت ۸:۳۰ شب برگزار می‌شود، شورش رعنائی نوازندگی تار را به عهده دارد و سهیل سعادت دف می‌نوازد. علاقه‌مندان برای دریافت بلیت این کنسرت که به حسین علیزاده تقدیم شده است، می‌توانند به مراکز فروش بلیت در ققنوس، بنه‌وون، سیاه سفید و کافه کهن مراجعه کنند.

■ **کنسرت موسیقی تلفیقی در تالار وحدت**

کنسرت موسیقی تلفیقی باسازهای پیانو، گیتار و کوارتت زهی در تالار وحدت برگزار می‌شود. شایان شکرآبی سرپرست این گروه در رابطه با فضای قطعات انتخاب شده برای اجرا گفت: «در این کنسرت قطعاتی از موسیقی ایرانی را با پیاهای غربی اجرا خواهیم کرد که حالتی تلفیقی دارد.»

این کنسرت که قطعاتی از درویش‌خان و مشکاتیان و … در آن اجرا خواهد شد، ۲۴ آبان‌ماه ساعت ۲۱ در تالار وحدت برگزار می‌شود. نحوه فرش بلیت متعاقباً اعلام خواهد شد.

■ **شب «فردریک شوین» در ایران**

شب «فردریک شوین» آهنگساز و پیانیست لهستانی عصر روز ۱۶ آبان ماه به همکاری مجله «بخارا» و سفارت لهستان در ایران در محل کنسرواتوار تهران و با سخنرانی ویولوش گویوو (سفیر لهستان)، کشیشف دینو، بهزاد معافی، امیر صراف، علی دهباشی و اجرای قطعاتی از آثار شوین برگزار شد.

در آغاز مراسم علی دهباشی مدیر مجله بخارا از مناسبت این مراسم سخن گفت و ادامه داد: امسال را موسیقی‌دوستان و موسیقی‌شناسان جهان به عنوان دویستمین سالگرد تولد «فردریک شوین» در سراسر جهان جشن گرفته‌اند و می‌گیرند و بسیاری از شهرهای جهان میزبان گروه‌های موسیقی شده‌اند و نوازندگان قطعات شوین را در سراسر جهان نواخته‌اند.

وی یادآور شد: آغاز جشن دویستمین سالگرد «شوین» در زادگاهش لهستان بود و پس از آن در دیگر کشورهای جهان همچون اتریش، فرانسه و انگلستان جشن‌های بسیار برگزار شده و حتی این جشن‌ها تا خاور دور، چین و ژاپن هم رسیده است. آواز شوین به عنوان «شاعر پیانو» پس از گذشت ۲۰۰ سال نه‌تنها کاستی نگرفته که با گذشت ایام و با اهمیت یافتن موسیقی در جهان معاصر بیش از پیش فرونی یافته است. از همین رو مجله بخارا به کارناون دو شب از شوین شایان خود را به موسیقی اختصاص داده است، یکی در بزرگداشت مهندس همایون خرم و دیگری در معرفی جان کیچ موسیقیدان مشهور امریکایی. این بار درصدد برآمده یکی دیگر از شب‌های بخارا را به فردریک شوین اختصاص دهد و در این گام نیز از همکاری سفارت لهستان بهره گرفته است.

ویولوش گویوو سفیر لهستان در ایران آغاز سخن کرد: ایران و لهستان پیشینه‌ای مشترک در تاریخ دارند. ما نیز سال‌ها زیر چکمه‌های دیکتاتوری بوده‌ایم و برای آزادی غداخت جنگیده‌ایم. ما معتقدیم مسالمت در جهان، ما نیز چون شما به تاریخ‌مان مباهات می‌کنیم. فردریک شوین در همه جای جهان شناخته شده است اما برای ما خاص تر است، چراکه «شوین» لهستانی است. همان‌طور که شما می‌دانید شوین زمانی می‌زیست که لهستان زیر سلطه دیکتاتوری بود. رابرت شویمان آهنگساز معاصر درباره شوین گفته است: «اگر دیکتاتور پیشین می‌دانست که با بودن شوین چه دشمنی را زنده نگه داشت، بی‌درنگ او از آن بین می‌برد. شوین چون توپ جنگی بود که تمام دیکتاتوری او را به لرزه درمی‌آورد.»

در ادامه این مراسم کشیشف دیدو، گرافیسث معاصر لهستان که مجموعه‌ای شامل ۲۰۰ پوستر از شوین را طی سال‌های متمادی جمع‌آوری کرده است، از شوین و پوسترهایش سخن گفت: «پوسترهای شوین را که من طی بیش از ۳۰ سال جمع‌آوری کرده‌ام شازخه‌های بسیار دارد. این پوسترها برای کنسرت‌های شوین، کنکورهای پیانو که هر پنج سال یک بار برگزار می‌شود، فستیوال‌ها و گردشگری‌ها طراحی شده است.

سخن گفتن از شوین بسیار دشوار است، و برای هنرمندان حرفه‌ای گرافیک طراحی برای مراسم شوین چالششی بوده و به همین خاطر همیشه هنرمندان گرافیسث کوشیده‌اند در این رقابت‌ها شرکت کنند و سرآمد باشند. من ۵۰ پوستر از کلکسیون خود را آورده‌ام که از امروز به مدت یک هفته در نگارخانه ۶۶ به نمایش گذاشته شده است. به همگان پیشنهاد می‌کنم از این نمایشگاه دیدن کنند.»

■ **کنسرت گروه موسیقی «شکرشکن» تنها یک شب برگزار شد**

فارس: گروه موسیقی شکرشکن به سرپرستی مهدی آذرسینا که قرار بود روز ۶ ۷ آبان برگزار شود، با استقبال خوب مخاطبان تنها یک شب برگزار شد. در این کنسرت که به همت انجمن موسیقی ایران برگزار شد، گروه موسیقی شکرشکن متشکل از محسن حسینی، سنتور، عماد حیدیه، تار، بهزاد میرو، کامناچه، مهدی علومی: کامناچه، امیر احراج‌اراهیمی: نی، مهدی شاه‌احمدی: تنبک، ایثار یاور: دف و مهدی آذرسینا عود و آواز به روی صحنه آمدند و با اجرای پیشخوانی در دسته‌گاه سه‌گانه برنامه خود را آغاز کردند. این کنسرت که حول دستگاه نوا بود، با اجرای تصنیف طرب روی غزلی از مولانا در دستگاه نوا ادامه یافت. آواز نوا، گروه‌نوازی در دستگاه نوا، آواز نهفت و نیز تصنیف هنگامه روی شعری از اقبال لاهوری از دیگر قطعات اجرایی کنسرت در بخش اول و نیز ساز و آواز گوشه ملک حسین روی شعر ابتهاج، قطعه‌ای در دستگاه افشهان روی شعری از ابتهاج، تصنیف پای کوبان با اشعاری ترکیب‌یافته از فردوسی، حافظ و عطار، هنروازی کامناچه و سنتور و تصنیف ساقیاور روی اشعاری از حافظ و مولانا از قطعات اجرایی در بخش دوم بود. مهدی آذرسینا در اجرای قطعات آوازی به عنوان خواننده نوازنده‌ها را همراهی کرد. این کنسرت از ابتدا قرار بود طی دو شب در تالار وحدت برگزار شود اما با فروش بلیت‌ها و به بودن سالن در روز نخست گروه و انجمن موسیقی برگزارکننده برنامه تصمیم به همان یک شب اجرا گرفتند. بر این اساس کنسرت روز ۷ آبان برگزار نشد.